

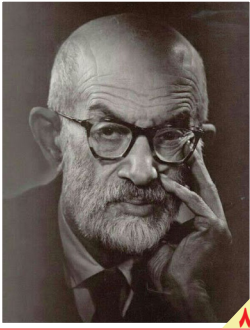
وزیر پر حاشیه راه خروج را در پیش گرفت

شو ک به کابینه رئیسی

دوشنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۱ - ۱۹ ربیع الثانی ۱۴۴۴ - ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲

شهرنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



نگاهی کوتاه به زندگی سعید نفیسی

مجمع جمیع کمالات

سال هفتم - شماره ۲۰۶۰ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

دیدار رئیس‌جمهور فرانسه با مخالفان نظام جنتجالی ساز شد

واکنش شدید ایران به اقدامات مکرون

گزارش همدلی از آلودگی هوای پایتخت و بی‌تفاوتی دستگاه‌های متولی

نفس تهرانی‌ها؛ گروگان قانون هوای پاک

ارزیابی «همدلی» از تأثیر نوسانات نرخ ارز بر قیمت خودروهای پرتیراژ

دلار نزولی، خودرو

همچنان سعودی

دیدار مولوی عبدالحمید

با نماینده رهبر انقلاب

اعتراض برخی نویسندگان

به شهرداری تهران

تنها ۳۰ درصد از مردم ایران

در سال ۱۴۰۰ به مسافرت رفتند

سفر؛ در مسیر خروج

از سبد خانوار

تکراری بخش تولیدات رسانه ملی

بیش از تازه‌هایش بیننده دارند

شکست تلویزیون

از گذشته خود

دفاع نمایندگان از بیانیه‌ای که جعلی اعلام شده بود

سر درگمی در بهارستان

همدلی | دیروز صحن علنی مجلس شاهد بحث درباره بیانیه جنتجالی نمایندگان بود. بیانیه‌ای که ابتدا منتشر شد و کمی بعد از آن که با واکنش منفی افکار عمومی مواجه شد مجلس به طور رسمی آن را جعلی خواند. اما دیروز برخی از نمایندگان از آن دفاع کردند و گفتند که آنچه در فضای مجازی

منتشر شده با آنچه در صحن علنی قرائت شده تفاوت داشته و آن جعلی بوده است. با این حال جمع دیگری از نمایندگان به قرائت همین بیانیه مورد اشاره و دفاع همکاران خود هم اعتراض کردند و خواستار شفافیت درباره امضا کنندگان این بیانیه شدند. شرح در صفحه ۲

تحریم‌ها چه بلایی بر سر نفت ایران آورد؟

حذف ۴۵۰ میلیارد دلار درآمد ایران در ۱۰ سال

عضو اتاق بازرگانی تهران می‌گوید اثرات کاهش فروش نفت ایران تحت تأثیر تحریم‌ها باید در دو بعد کاهش درآمد و کاهش سرمایه‌گذاری بررسی شود. حمیدرضا صالحی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: بر اساس برآوردهایی که از سوی ایک اعلام شده و در جلسه اخیر اتاق بازرگانی تهران نیز به آن اشاره شد در ۱۰ سال گذشته ایران درآمدی ۴۵۰ میلیارد دلاری در تحت تأثیر تحریم‌ها در حوزه نفت از دست داده است. به معنی ساده در شرایطی که ما می‌توانستیم با استفاده از فروش نفت این درآمد را وارد اقتصاد کشور کنیم دچار عدم‌التفیع شده‌ایم. وی با اشاره به جایگاه نفت در اقتصاد ایران بیان کرد: ما در طول تمام دهه‌های گذشته بخش قابل توجهی از درآمد اقتصاد خود را از طریق فروش نفت به دست آوردیم هر چند این دیدگاه وجود داشت که باید میزان وابستگی بودجه سالانه به نفت کاهش پیدا کند، اما در عمل همچنان دولت بخش زیادی از برندهای خود را در این چارچوب پیگیری می‌کرد. شرح در صفحه ۶

واکنش ایرانی‌ها به مواضع ضدایرانی الهام علی‌اف

توهم تاریخی



سرمقاله

نمایندگان چه چیزی را تکذیب می‌کنند؟

رضا صادقیان
روزنامه‌نگار

تکذیب متن و امضاهای درج شده پای بیانیه ۲۲۷ نماینده مجلس شورای اسلامی بیش از هر مسئله‌ای نه تنها سند افتخار آنان نخواهد بود، بلکه به جایگاه مجلس نشینان آسیب جدی وارد کرده است. روابط عمومی مجلس اصل متن را تکذیب و آن را به دلایل متعدد از جمله درج نام برخی از نمایندگان سابق که در حال حاضر در مجلس نیستند و همچنین نداشتن سربرگ و مهر، این بیانیه را جعلی و دروغ خوانده است. در بخش پایانی همین متن آمده است: «لازم به ذکر است در روزهای اخیر جریان‌سازی شدیدی علیه بیانیه نمایندگان صورت گرفته است.»

شرح در همین صفحه

یادداشت‌ها

جام جهانی و آواز ابوعلی‌ای سب‌بلا تر

صلاح‌الدین هرسانی
تحلیل‌گر مسائل سیاسی

تقابل و رابطه دموکراسی با سرمایه‌داری

جهانگیر ایزدپناه
فعال اجتماعی

مادرم مرد بی سرزمین شدم

فیض شریفی
پژوهشگر ادبیات

عکس ما را از بیلبوردهای پابین بیابورد!

اعتراض برخی نویسندگان به شهرداری تهران

کنار این عکس‌ها QR code قرار داده شده است که با اسکن آن QR code به صفحه خانه کتاب هدایت می‌شوید و می‌توانید اطلاعات بیشتری درباره کتاب‌ها، خلاصه و بررسی از آن و سایر کتاب‌هایی که در طرح موسوم «کتاب باران» معرفی شده‌اند، مشاهده و احیاناً خرید کنید. البته برخی از این آگهی‌نماها فاقد همین QR code هستند.

بر اساس اطلاعات شهرداری تهران در این طرح ۱۱۰ کتاب و نویسنده معرفی شده‌اند که برگزیده جایزه‌هایی مانند کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، جایزه جلال آل احمد، جشنواره شعر فجر و... هستند که به نظر می‌رسد این تعداد نسبت به سال‌های گذشته با کاهش کمی همراه بوده است.

از طرفی انتخاب نویسندگان و آثارشان گاه با تردیدهایی همراه است که کتاب‌ها و نویسندگانشان از یک جریان‌های فکری خاصی انتخاب می‌شوند. در فهرستی که در سایت خانه کتاب وجود دارد اسم‌هایی چون غلامحسین ابراهیمی دینانی، ابوالحسن نجفی، غلامحسین مصاحب، محمود مهدوی دامغانی، میرجلال‌الدین کزازی، سیدجعفر شهیدی، مهدی گلشنی، محمدرضا حکیمی، هوشنگ مرادی کرمانی تا مریم اسلامی، مرتضی امیری اسفندقه، منصور انوری، گلعلی بابایی، حمیدرضا برقی، سعید تشکری، رضا جولاچی، حمید حسام، ابراهیم حسن‌بیگی، محمد کیانی، سید حسن حسینی، محمد و محمدرضا سرشار، صادق کریمیان و یوسفعلی میرشاکاف و حتی چهره‌های کمترشناخته شده‌ای چون محمداسماعیل حاج‌علیان، بهزاد دانشگر، مریم هاشم‌پور و... به چشم می‌خورد.

البته در این میان اشتباه‌هایی هم درج تصاویر پیش آمده که وجه کارشناسی کار را زیر سؤال می‌برد. مثلاً این‌که از عکس یک فرد همنام نویسنده در آگهی‌نماها استفاده می‌شود. امسال نیز در میان بیلبوردهای تبلیغاتی برای معرفی محمود تقضی، نویسنده و مترجم، برای کتاب «نگاهی به تاریخ جهان» از عکس احمد تقضی، ایران‌شناس، مترجم و پژوهشگر استفاده شده است که به این کتاب اصلاً ربطی ندارد.

این اشتباه صرفاً در بیلبورد شهری اتفاق نیفتاده بلکه در سایت خانه کتاب نیز این تصویر به اشتباه درج شده و به نظر می‌رسد با توجه به استفاده از اطلاعات اینترنتی، چنین عکسی استخراج شده باشد.

البته همانطور که گفته شد این انتخاب‌ها گاه مورد اعتراض ناخشنودی نویسنده‌ها می‌شود، مثلاً سال گذشته، شکوه قاسم‌نیا با اعتراض به استفاده از عکسش بدون اجازه او گفته بود «از انتشار عکس روی بنر نه خشنودم و نه راضی» و نسبت به این موضوع اعتراض کرده بود، یا فریبا کلهر که خواسته بود «بیلبورد را پایین بیابورد». امسال هم ایسن موضوع با واکنش‌هایی همراه بوده است.

امسال هم ابراهیم حسن‌بیگی - نویسنده - زیر عنوان «این پارکشی نیست، پارکشی است» در متنی نوشته است: «به چه کسی بگویم این بیلبورد را بکشید پایین» هرچند این اعتراض حسن‌بیگی با واکنش‌های منفی‌ای همراه بود که این واکنش و نوشته او را نقد کرده بودند.

حمیدرضا شکارسری هم نوشته است: «من اهل شعر و کلمه‌ام، تمام کتاب‌هایم را دوست دارم، اما علم کردن عکس من و کتابم در این روزها، آن‌هم بدون اجازه خودم از آن حرف‌هاست!»

در روزهای گذشته انتشار تصاویر برخی نویسندگان و جلد کتاب‌هایشان در بیلبوردهای تبلیغاتی شهر تهران حاشیه‌ساز شد. این اقدام شهرداری اصول‌گرای تهران ابتدا با اعتراض برخی از مخاطبان کتاب مواجه شد که معتقد بودند گزینش این نویسندگان و کتاب‌هایشان از یک نوع سلیقه پیروی کرده و عمدتاً نویسندگان مورد علاقه نظام و البته جناح اصولگرا را در بر می‌گیرد و از نویسندگان و شاعران مستقل در این اقدام خبری نیست. با این همه این اعتراضات به برخی از نویسندگان نیز کشید. ایسنا در گزارشی در این باره نوشت: چند سالی می‌شود که همزمان با هفته کتاب، شهر چهره دیگری به خود می‌گیرد و در اعلان‌های تبلیغاتی چهره نویسندگان و کتاب‌هایشان به‌نمایش درمی‌آید که هر چند گاه با اعتراض نویسندگان همراه است و گاه نیز اشتباهاتی در درج عکس نویسندگان کتاب‌ها رخ می‌دهد یا این حال از جمله اقدام‌هایی است که سال‌ها به ضرورت آن تأکید می‌شد.

سایمین دوره هفته کتاب هم با شعار «ما همانیم که می‌خوانیم» از فردا (۲۴ آبان‌ماه ۱۴۰۱) آغاز خواهد شد. امسال هم در آستانه این هفته، آگهی‌نما (بیلبورد)های شهری مزین به کتاب و عکس نویسندگان شده است؛ هرچند شاید بتوان گفت امسال کمی زودتر از موعد هم در بیلبوردهای شهری به استقبال هفته کتاب رفتیم.

یکی از مشکلات همیشگی کتاب در ایران، کمبود ویتترین برای نمایش کتاب‌هاست؛ به نحوی که گاه برخی از کتاب‌ها حتی به قفسه کتاب‌فروشی‌ها هم راه نیافتاده و مجالی برای معرفی خود نمی‌یابند. موضوع دیگر معرفی نشدن کتاب‌ها در رسانه‌های ام از رسانه‌های مکتوب و تلویزیون و... است. هفته کتاب که به کتاب و کتاب‌خوانی اختصاص یافته، یکی از زمان‌هایی است که شهر رنگ و بوی کتاب به خود می‌گیرد و کتاب‌ها مجالی برای دیده شدن پیدا می‌کنند.

آگهی‌نماها (بیلبوردها) یکی از رسانه‌های عمومی و شاید در دسترس برای عموم مردم در سطح شهر هستند که می‌توانند به ویتترینی برای معرفی کتاب تبدیل شوند و این امکان را به شهروندان دهد در ترافیک روزانه شهر یا پیاده‌روی‌ها حواس‌شان درگیر موضوع دیگری شود.

چند سالی است که سازمان زیباسازی شهرداری تهران تعدادی از بیلبوردها را به معرفی کتاب اختصاص می‌دهد؛ این‌که در سطح شهر کتاب‌ها به نمایش درمی‌آیند، به خودی خود امر پسندیده‌ای است، زیرا عمده خبرهای مربوط به کتاب‌ها در نشریات و خبرگزاری‌ها درج می‌شود که ممکن است بخش عظیمی از مردم فرصتی برای خواندن آن‌ها را نداشته باشند، اما بیلبورد با توجه به جلوه‌های بصری که دارد، ناخودآگاه توجه‌ها را جلب کند و مردم را به درنگ وادار کند.

شاید هر نویسنده‌ای دلش بخواهد کتابش در یکی از خیابان‌های شهر در معرض دید عموم قرار بگیرد اما هستند نویسندگانی هم که انگار از این تبلیغات چندپان راضی نیستند و گاه این عملکرد را مورد نقد قرار می‌دهند.

در ادامه گزارش ایسنا آمده است: امسال سازمان زیباسازی شهرداری تهران با نصب زود هنگام آگهی‌نماها به استقبال هفته کتاب رفته است؛ در حاشیه خیابان‌ها و چهارراه‌ها آگهی‌نماهایی مزین به چهره نویسندگانه و کتاب‌هایشان وجود دارد که در

سرمقاله

نمایندگان چه چیزی را تکذیب می‌کنند؟

رضا صادقیان - تکذیب متن و امضاهای درج شده پای بیانیه ۲۲۷ نماینده مجلس شورای اسلامی بیش از هر مسئله‌ای نه تنها سند افتخار آنان نخواهد بود، بلکه به جایگاه مجلس نشینان آسیب جدی وارد کرده است. روابط عمومی مجلس اصل متن را تکذیب و آن را به دلایل متعدد از جمله درج نام برخی از نمایندگان سابق که در حال حاضر در مجلس نیستند و همچنین نداشتن سربرگ و مهر، این بیانیه را جعلی و دروغ خوانده است. در بخش پایانی همین متن آمده است: «لازم به ذکر است در روزهای اخیر جریان‌سازی شدیدی علیه بیانیه نمایندگان صورت گرفته است.» به نظر می‌رسد اینکه نمایندگان مجلس پس از انتشار متنی که هفت روز از خبری شدن آن می‌گذرد و در همان ساعت‌های اولیه با واکنش منفی برخی چهره‌های اجتماعی و سیاسی و حتی نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی روبه‌رو شده بود تازه پاداش آمده که متن اشتباه و دروغ است، خود حکایت جالب توجه‌ای است.

در اینجا با چند شبهه روبرو هستیم؛ آیا خبر اساساً نادرست و جعلی است؟ آیا نمایندگان از آن باخبر نبوده‌اند؟ مهم‌تر از این همه آیا رسانه‌های خبری بدون وقوع یک رخداد به نشر اقدام کرده‌اند؟ با توجه به خبرهای منتشر شده در تاریخ ۱۵ آبان‌ماه، متوجه می‌شویم نه تنها این متن منتشر شده است، بلکه توسط یکی از نمایندگان مجلس در صحن علنی قرائت و برخی از نمایندگان در تایید آن شعار سر داده‌اند. متن خبرگزاری فارس در ساعت ۹:۲۹ دقیقه و در تاریخ ۱۵/۱۱/۱۴۰۱ با تیتیر «نامه نمایندگان مجلس به رئیس قوه قضائیه: با اغتشاش‌گران قطعه‌به‌بخورد کنید» و باز نشر همین خبر در ساعت ۱۲:۲۲ دقیقه و همان روز توسط خبرگزاری ایسنا با تیتیر «درخواست ۲۲۷ نماینده برای برخورد قاطع با مباهترین جنایات اخیر» همچنان قابل دسترس است. بنابراین در اصل و متن خبر شبهه‌ای در کار نیست، بلکه رسانه‌ها دقیقاً بازتاب‌دهنده این بیانیه بوده‌اند. به عبارتی مشخص‌تر؛ خبرگزاری‌ها پس از مطلع شدن از متن بیانیه اقدام به نشر این خبر کرده‌اند. اما چرا نمایندگان پس از گذشت هفت روز اقدام به واکنش و تکذیب آن کرده‌اند؟

به نظر می‌رسد متن بیانیه و جمع‌آوری امضاهای واقعی و درج برخی امضاهای جعلی توسط جریان و گروهی در داخل مجلس رخ داده که لاجرم صدای برخی را ساکت کرده و یا نمایندگان ترجیح داده‌اند سکوت کنند. جریانی که حتی هیات رئیسه و ریاست مجلس نیز توانایی مقابله با آنها را نداشته و لاجرم ناچار شده‌اند پس از هفت روز نسبت به آن بیانیه توسط روابط عمومی مجلس واکنش نشان دهند. وقتی در هفته گذشته ریاست مجلس از «حکمرانی نو» سخن گفت و شماری از نمایندگان اینجا و آنجا از شنیده شدن مطالبات شهروندان و معترضان توسط ساختار قدرت سخن می‌گویند، نمی‌توان هم‌زمان هم شاهد دعوت به گفت‌وگو و اصلاحات کرد و هم خواستار مجازات شدید معترضین شد. پژواک این دو صدای بسیار متفاوت از داخل نهاد قانون‌گذاری بسیار نامتوازن است.

این اتفاق توسط هر جریانی که در داخل مجلس شورای اسلامی رخ داده باشد، بیش از هر مسئله، چهره‌ای است که توسط مجلس نشینان به نهاد قانون‌گذاری کشور رخ داده است. سکوت کردن به هر دلیل که رخ داده باشد، این گونه ارزیابی می‌شود که جایگاه واقعی مجلس حتی در چشم نمایندگان مهم نبوده و نیست. در واقع کسانی که نه تنها مجلس را قبول ندارند، بلکه حاضرند برای کسب رضایت کودکان و حلقه‌های رفقای بی‌بانی‌های را به اسم ساینده نمایندگان منتشر کنند و در لحظه مهم نقش خود را در تهیه و انتشار متن پر حاشیه متکر شوند، جایگاه هر کدام از نمایندگان را نیز نفی کرده‌اند.

یادداشت

جام جهانی و آواز ابوعلی‌ای سب‌بلا تر

صلاح‌الدین هرسانی - هنگامی که «سایمون پرودکین» کم‌دین انگلیسی که در قالب نماینده رسانه‌ای جهت انتخاب مشخص شدن جانشین «سب‌بلا تر» در انتخابات ۲۶ فوریه ۲۰۱۶ در زوریخ سوئیس مقر فیفا، دسته‌ای دلار تقلبی را به صورت بلا تر پرتاب کرد و دسته‌ای دلار هم روی میز او گذاشت، سب‌بلا تر چاره‌ای نداشت جز این‌که در واکنش به این حرکت کم‌دین انگلیسی بگوید که: «به مادر مرحومم رنگ زدم و او به من گفت که نگران نباش، این حرکات آن‌هم در چنین مجالس مهم، به فقدان آموزش و تربیت برمی‌گردد!!» هدف سایمون پرودکین، افزایش فساد سب‌بلا تر و نمایاندن شخصیت فسادپذیر او در افکار عمومی و ورزش پرطرفدار فوتبال بود. گفته می‌شود که میزبانی روسیه در سال ۲۰۱۸ و میزبانی قطر برای مسابقات جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، حاصل همین تبتانی، ارتش‌ها، زد و بند و فساد مدیران تراز اول فیفا نظیر سب‌بلا تر بود و همین باعث شد که بلا تر در دوم ژوئن ۲۰۱۵ در پی افزایش فسادهای مالی و اداری فدراسیون جهانی فوتبال، به فاصله چهار روز پس از انتخاب شدنش به عنوان رئیس فیفا برای پنجمین دوره متوالی، از سمت خود کناره‌گیری کند و به قول خودش عطای مدیریت فیفا را به لقای کارکردن در رشته ارتباطات به ویژه کار در رادیو ببخشد. اگر چه فساد مالی سب‌بلا تر به واسطه پی‌گیری مسئولان قضائی آمریکا ثابت شد و حتی ۱۴ نفر از مسئولان این نهاد و رابطان آن نظیر میشل پلاتینی فرانسوی ستاره تیم ملی فوتبال فرانسه در جام‌های جهانی ۱۹۸۲ اسپانیا و ۱۹۸۶ مکزیک، توسط پلیس سوئیس دستگیر شدند، اما آن اعتراض‌ها به جهت نحوه اعطای میزبانی جام جهانی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ و محتملاً اعطای میزبانی جام جهانی ۲۰۲۶ به کره شمالی یا سودان در صورت بقای محتمل بلا تر همچنان به قوت خود باقی است. حال و در شرایطی که «جانی اینفانتینو» عهده‌دار مدیریت فیفا را در عصر سپاهلانت است و بلا تر فاقد مسئولیت و جایگاه حقوقی در یک نهاد عریض و طولی چون فیفا است، در اظهار نظری عجیب و غریب و البته مضحک اعلام کرده است که: «فیفا باید تیم ملی جمهوری اسلامی ایران را در مسابقات جام جهانی ۲۰۲۲ قطر به جهت نحوه برخورد با معترضان حذف کند!!» از منظر نشانه‌شناسی، این اظهار نظر بلا تر متاثر از حواشی پررنگ‌تر از متنی است که از سوی برخی بازیکنان در مسابقات ورزشی و بیشتر به جهت سمبلیک در طرفداری و همنوایی از معترضان در میادین و سکوهای ورزشی به نمایش در آمده است و همین سبب هم‌ذات‌پنداری و همراهی بلا تر با این نمایش‌های سمبلیک شده است. در سطحی دیگر، چنین اظهار نظری هم متاثر از جوسازی‌های طرفداران حذف تیم ملی ایران یا همان اپوزیسیون‌های خارج‌نشین است. چراکه در روزهای اخیر بسیاری از همان اپوزیسیون به جای حمایت از تیم ملی، به جهت دفاع از جنبش «زن‌زندگی و آزادی» و همچنین شایعات پیرامون ورود غیرمستقیم ایران در جنگ اوکراین، خواهان حذف ملی تیم ملی ایران از مسابقات جام جهانی قطر شده و به جد خواستار آن بودند که تیم فوتبال ایران به‌جای آنکه تیم ملی جمهوری اسلامی ایران باشد، بهتر است که یک تیم سیاسی، اعتراضی و تیم ملی «مردم ایران» باشد و اگر غیر از این باشد، بهتر آن است که تیم ملی در مسابقات جام جهانی حضور نیابد. در واقع جوسازی‌های اپوزیسیون به مثابه پاس‌گلی که به بلا تر داده شده است و چنین اظهار نظری معنایی جز مداخله غیرمسئولانه در مسائل داخلی کشورها ندارد. در واقع، کنش و اظهار مواضع بلا تر را باید همان آواز ابوعلی‌ای قورباغه آن‌هم در شرایطی دانست که آب در خلاف مسیر جریان خود حرکت می‌کند. این وضعیت، عمق مشوش اوضاع و مختل بودن شرایط را نشان می‌دهد و فقط در شرایط بی‌نظمی و عدم انجام بهینه مسئولیت‌هاست، که ممکن است چنین موضعی اظهار شود و قورباغه‌ای را به خواندن آواز ابو عطا وا دارد. حال و اگر چه مصائب داغ‌دیدگان حوادث اخیر قابل درک و احترام است و حاکمیت نیز به جای ادامه برخورد‌های سخت‌مانند تعقیب و بازداشت و تهدید به اعدام، باید درک و فهم درستی از مسائل داشته و معترضان را فقط وندال‌های سیاسی یا اغتشاش‌گر نداند و با تجدیدنظر در برخی روش‌های تحریک‌کننده، پاسخ‌گوی خواسته‌ها و مطالبات مدنی معترضان باشد، اما قابل توجهی نیست که چنین اهمال‌ها و غفلت‌هایی بهانه‌ای به دست افراد معلوم‌الحال و فسادپذیری چون دسترس نیست. ضمن آنکه سب‌بلا تر باید بداند که چه جوسازی‌های اپوزیسیون و چه حرکات سمبلیک و هم‌ذات‌پندارانه ورزشکاران تیم‌های ورزشی در میادین و سکوهای قهرمانی بیش از آنکه علت باشند، معلول هستند. بدان جهت که این اعتراضات و حوادث ناشی از آن، جدای از نقش مدیران بحران‌ساز و اقتصاد فشل نفتی (انتی‌ریسم)، نتیجه فشار و سناریوی کارزار فشار-حداکثری واکنش‌گن در برقراری نظام ظالمانه تحریم‌ها و بدعملی متحدان آن یعنی تروئیکای اروپایی برجام در قبال مردم ایران است. به هر حال مسئله حضور یا حذف تیم ملی ایران در مسابقات جام جهانی قطر ربطی به نقش‌آفرینی‌های غیرحقوقی فعلی او ندارد و چه خوب است که او مدیر فیفا نیست. در واقع تیم ملی ایران چه تیم مردم ایران باشد و چه تیم جمهوری اسلامی ایران، بخشی از علل و عوامل تولید شادی برای بهبود شرایط زیست ایران در شرایط انومی است، به ویژه آن‌که چقدر شادی‌بخش و لذت‌آفرین و غرورآمیز است که در شرایط بحران و فقدان شادی، چنین تیمی با شکست انگلیس یا آمریکا از مرحله گروهی بالا رود. به هر حال بخشی از مردم ایران وری حضور در اعتراضات یا همراهی با نظام سیاسی، چشم‌شان برای ایجاد یک شادی جمعی به ساق‌های فوتبال‌یست‌های ایران دوخته است.